

فراخوان

برای مبارزه در راه تحقق عاجل‌ترین خواسته‌های دموکراتیک

تا تو در خوابی، بیداری من بی ثمر است

تا تو در خوابی و رویای تو بیداری‌ست

همه عالم

گو

بیدار!

تا تو بیهوده و دستان «ای کاش!»

همه عالم

گر

هشیار!

تا تو بی فایده

بی فایده انسان

تا تو بی‌حادثه

بی‌حادثه تاریخ



بیست و دو ماه از استقرار حاکمان جدید بر
مسندهای قدرت گذشته است. — اگرچه تنها یک نگاه گذرا بر
آنچه امروز بر این کشور محنت‌زده می‌گذرد کافی است تا اعماق
فاجعه‌ای که تحمیل مشتی سفیه به‌عنوان سکانداران (!) بر این
کشتی شکسته عامل مستقیم آن است به رای‌العین مشاهده شود،
معذک مطالعه‌ی فهرست‌وار کارنامه‌ی هیات حاکمه‌ی جدید در
زمینه‌ی تهاجمات و تجاوزاتی که از همان نخستین لحظات پس از

قیام بهمن ماه ۵۷ آزادی‌های دموکراتیک خلق‌های ما را نشانه گرفت و هدفی جز بازسازی هرچه سریع‌تر نظام متعفن سرمایه‌داری ضربه‌خورده‌ی ایران و جلوگیری از شتاب فزاینده‌ی مبارزه‌ی ضدامپریالیستی توده‌ها نداشت می‌تواند شناخت گرداب خطرناکی را که این کشتی درهم شکسته به جانب آن هدایت می‌شود برای ساده‌دلانی که هنوز از مفت‌خوران سهم امام چشم انتظار معجزه‌اند آسان‌تر کند و آنان را به عمق چاه ویلی که هم‌اکنون بر دهانه‌اش تاب می‌خوریم آگاهی دهد.

کارنامه‌ی سیاه هجوم و تجاوز هیات حاکمه‌ی جدید به حقوق و آزادی‌های دموکراتیک، آن‌هم بلافاصله پس از پیروزی قیام بهمن ماه ۵۷ در سطور زیر خلاصه شده است:

الف: نوروز و اول فروردین ۵۸، آخوندهای حاکم و تیمساران شاهنشاهی نظیر قره‌نی مزدور به کودکان سنندجی به‌جای شیرینی و اسباب بازی، گلوله و بمب و راکت عیدی دادند.

ب: در ششم فروردین، پاسداران ارتجاع خلق ترکمن را به‌مدت پنج روز به گلوله بستند. خانه‌هایشان را بر سرشان خراب کردند، ده‌ها تن را به‌قتل رسانده صدها نفر را مجروح کردند.

ج: سوء استفاده‌ی آشکار از اعتماد توده‌های ناآگاه در برگزاری رفراندوم غیر دموکراتیک دهم فروردین ماه ۵۸، که مضمون دغلکارانه‌ی آن مخیرداشتن (!) مردم ساده‌دل بود به انتخاب **ولایت فقیه** (زیر عنوان **جمهوری اسلامی**!) در برابر **رژیم ستمگر سلطنتی** — یعنی چیزی که پیشاپیش با یورش قهر آمیز خود مردم مهر باطل خورده به زباله‌دان افکنده شده بود! —

د: ایجاد وقیحانه‌ترین شکل سانسور و تحریف واقعیات به‌دست یکی از کارچاق‌کن‌های رژیم اسلامی در فضای نامردمی و آکنده از بهتان و دودوزه‌بازی در سازمان رادیو و تلویزیون.

ه: طرح مساله‌ی خلع‌سلاح عمومی در شرایطی که هنوز مساله‌ی ارتش امریکایی شاه حل‌نشده باقی مانده بود. (چیزی که در

نظر آگاهان، به موضوع توطئه‌ها و ساخت و پاخت‌های صورت گرفته در جریان انتقال قدرت و به‌منظور چوب‌گذاشتن در چرخ‌های انقلاب، ابعاد رسوا کننده‌تری می‌داد.

و: خواست‌های مستمر توده‌ها در افشا و لغو قراردادهای اسارت‌بار با امپریالیسم امریکا همواره مورد تمسخر و بی‌اعتنایی حاکمان جدید، که به‌دنبال مذاکره با رمزی کلارک‌ها و هویزرها به قدرت رسیده بودند، قرار گرفت.

ز: سرکوب و کشتار جنایتکارانه‌ی خلق عرب به بهانه‌ی تجزیه‌طلبی. در حالیکه امروز، علیرغم همه‌ی اتهامات رژیم، خلق عرب بخشی‌چشگیر از نیرویی را تشکیل داده است که با چنگ و دندان از خوزستان در برابر اشغال ارتش عراق به‌دفاع برخاسته!

ح: حمله‌ی نظامی سرتاسری به کردستان. بمباران شهرها و روستاهای کردنشین و اعدام دستجمعی مبارزان در آنجا به اتهاماتی که بی‌درنگ ریاکارانه‌بودن آن‌ها به ثبوت رسید (اتهاماتی نظیر گروگان‌گرفتن زنان شیعه توسط اکراد و تجاوز به آن‌ها، حمله و آتش‌زدن به مساجد و غیره و غیره (...).

ط: قرار دادن مطبوعات آزاد در جو خردکننده‌ای از فشار و خفقان. تصفیه‌ی نویسندگان کیهان، تعطیل روزنامه‌ی آیندگان و حدود چهل مجله و روزنامه‌ی دیگر و دستگیری بی‌دلیل گروهی از نویسندگان آیندگان به‌مدتی بیش از دو ماه و آنگاه رهاکردن بدون محاکمه‌ی آنان پس از آن‌همه اتهامات عجیب و غریبی که به ایشان نسبت داده بودند.

ی: حمله‌ی گروه‌های سازمان‌یافته به دفاتر سازمان‌های سیاسی با پشتیبانی پاسداران مسلح، سلب آزادی از احزاب سیاسی مترقی و جمعیت‌ها. حمله به میتینگ‌ها و تظاهرات مترقی و هجوم مسلحانه به تحصن‌ها و اعتراضات کارگران.

ک: تبدیل **مجلس موسسان** به **مجلس خبرگان** (!) و انتصاب عمده اکره‌ی ولایت فقیه به‌عنوان «نمایندگان انتخابی مردم»!

ل: غیرقانونی اعلام‌داشتن نشریات تمامی سازمان‌های مترقی

کشور و دستگیری و ضرب و جرح پخش‌کنندگان این‌گونه نشریات که در پاره‌ای موارد کار به تیراندازی منجر به مرگ افراد نیز کشیده است.

م: قتل رسوایی‌آمیز رهبران خلق ترکمن در گنبد.

ن: دومرحله‌ای کردن انتخابات مجلس شورای (اسلامی) و تقلب بی‌حد و حصر در آرای فریب‌خوردگان، و در نهایت امر به هیچ شمردن آرای مردم و توهین مستقیم به آن‌ها از طریق بیرون افکندن منتخبین مترقی.

ص: حمله به دانشگاه‌ها و مدارس عالی در سراسر کشور، تعطیل مراکز دانشگاهی و کشتار و اعدام بی‌دریغ استادان و دانشجویان.

ع: ممنوع اعلام داشتن هرگونه تظاهرات و اجتماعات نیروهای انقلابی و به‌خون کشیدن راهپیمایی کارگران بیکار و تحصن‌ها و اعتراضات کارگران.

ف: انحلال شوراهای کارگری و ایجاد شوراهای فرمایشی (اسلامی). دستگیری و اخراج کارگران مبارز.

ض: اقدام به تصفیه در مدارس و اخراج معلمان و دانش‌آموزان مترقی از طریق اعمال تفتیش علنی و قرون وسطایی عقاید در مورد آنان.



- کارگران مبارز بیدار دل!
- زحمتکشان!
- خلق‌های ستم‌دیده!
- پرسنل انقلابی نیروهای مسلح!
- روشنفکران آزاداندیش!
- دانشجویان و دانش‌آموزان سراسر کشور!
- کارمندان شریف و مبارز بخش‌های دولتی و خصوصی!

• زنان و مردان آزادیخواه!

• مردم ستمدیده و از ستم‌نرسته‌ی ایران!

آن چه فهرست‌وار و به‌اجمال در سطور بالا برشمردیم تنها و تنها مشتی است از خروار. شما خود به‌سادگی می‌توانید موارد بسیار دیگری را از دیده‌ها و شنیده‌های خود بر این کارنامه‌ی سیاه بیفزائید. اقلام متعددی از ترورها و اعدام‌های بدون محاکمه‌ی کارگران آگاه و مبارز و نیروهای انقلابی و روشنفکران مترقی، حمله به نهادهای فرهنگی، اقدامات ضد علمی و ضد فرهنگی و جهل‌پرورانه‌ی آشکار، اعدام دزدانه‌ی پیروان مذاهب دیگر، به‌راه انداختن جشن کتاب‌سوزی و حیف و میل اموال مصادره‌شده‌ی وابستگان رژیم سابق توسط نهادهایی نظیر بنیاد مستضعفین ... همچنین می‌توان جنایات متعدد و گوناگون دیگری را بر این سیاهه‌ی ننگ و بی‌شرمی افزود که سراسر صفحات مطبوعات مستقل و آزاد پیش از آن‌که به بهانه‌های واهی مورد هجوم و تعطیل یا مصادره قرار گرفته به ورق‌پاره‌های بی‌ارزش مدّاح رژیم حاکم تبدیل شوند سرشار از آن‌هاست و به‌وضوح تمام حکایت از ایلغار مجددی می‌کند که کشورما، در آستانه‌ی قرن بیست‌ویکم مورد تجاوز آن قرار گرفته است و بار دیگر خاطره‌ی ایلغار اقوام بدوی دشمن فرهنگ و مدنیت را به عیان در برابر چشمان حیرت‌زده‌ی ما می‌گذارد.

امروز مشاهده می‌کنیم که مبارزه‌ی قدرت و خصلت فزون‌طلبی باعث شده است لاشخوران خرده‌بورژوا و کفتاران بورژوالیبرال بر سر تصاحب سهم بیشتری از لاش‌مردی انقلاب ملاخور شده در برابر هم صف‌آرایی کنند و به قصد بیرون‌راندن یکدیگر از میدان قدرت شمشیرها را از رو ببندند. اما هر چند که بدین سبب ناگهان همه‌ی گربه‌دزدها از نو عابد و زاهد شده‌اند و اراذل وقیحی چون قطب‌زاده، ناگهان به‌یاد حرمت بر خاک‌افتاده‌ی آزادی بیان و قلم آب در چشم می‌گردانند و بوقلغالک ریزه‌خواری چون «رئیس‌جمهور منتخب و فرمانده کل قوا» که همین چندماه پیش به‌قصد بیرون‌کشیدن لقمه از پوزه‌ی آخوند بهشتی، سوار بر موجی از لمپن‌ها به دانشگاه تاخت تا به‌قول خود «مرکز تحرک و توطئه» را فتح کند اکنون ناگهان

چنان به یاد «لزوم افتتاح دانشگاه‌ها» افتاده که خواب به چشمانش راه نمی‌یابد. معذالک شک نیست که مردم همکاری هر دو جناح معمم و مکلای قدرت را در سرکوبی حقوق و آزادی‌های دموکراتیک در این بیست و دو ماهه‌ی اخیر از خاطر نبوده‌اند، و به‌خوبی آگاهند که به‌محض گذشتن این دوره‌ای که طرفین بر حسب نیاز محتاج فریب مجدد مردم شده‌اند، و به‌مجردی که مساله‌ی لزوم تحمیق دوباره منتفی شود و قمار شوم قدرت به پیروزی این یا آن جناح پایان یابد، بار دیگر کاسه همان کاسه است و آش همان آش، و بار دیگر آن ذره که در حساب ناید خلق است!

می‌بینیم که دوالپاهای سلطه‌طلب نهاد حاکم امروز، علی‌رغم همه‌ی بی‌کفایتی ذاتی خویش، علی‌رغم خصلت مفت‌خواری و مفت‌بری و عوام‌فریبی که طبیعت ثانوی آن‌ها است، و علی‌رغم آن‌که در همین یکصد ساله‌ی اخیر دست‌کم سه بار (نخست در ماجرای تحریم تنباکو، سپس در جریان انقلاب مشروطیت و سومین بار در مبارزات ملی‌کردن صنایع نفت) به‌وضوح نشان داده‌اند جز به منافع مادی و دنیایی خویش نمی‌اندیشند و هر بار به‌مجرد آن‌که به منافع خود رسیدند مردمی را که **صغیر** و **گوسفند** تلقی می‌کنند به‌امید خدا می‌گذارند تا بار مقدر خود را ببرند و خار مقدر خود را بچرند، اکنون برای چهارمین بار موفق شده‌اند با بهره‌جستن از ناآگاهی خلق ما و غنیمت‌شمردن فرصت پیش‌آمده به‌گرده‌ی ناتوان خلق برجهند و او را برای تحمل دوران پر ادبار دیگری تا آخرین قطره‌ی مقاومتش بدوشند.

امروز، ما، با توجه به تجارب تلخ عینی بیست و دو ماهی که از قیام بهمن‌ماه ۵۷ گذشته، همه‌ی نیروهای انقلابی اصیل و مردم آزاده‌ی ایران را به مبارزه‌ای هماهنگ و یکپارچه فرا می‌خوانیم تا به‌کمک آن به آرمان‌های بنیادینی تحقق داده شود که تنها راه رهائی خلق‌های ستم‌دیده‌ی ما از نحوست سلطه این دوالپاهای سواری‌طلب و بورژوازی گرگ صفت و حامیان امپریالیست آن‌هاست. چرا که بی‌گمان این سکه دو رو بیش‌تر ندارد:

یا ما سر خصم را بکوبیم به سنگ

یا او تن ما به دار سازد آونگ!

ما در این لحظه‌ی تاریخی، با اشاره‌ای گذرا به خیانت‌های تاریخی یکصد ساله‌ی روحانیون و یادآوری تجارب تلخ این بیست و دوماه‌ی سراسر درد و رنجی که از نحوست سلطه‌ی آنان و بورژوازی رفیق قافله و شریک دزد آن‌ها بر خلق‌های ایران گذشته است همه‌ی نیروهای آگاه و غیروابسته را فرا می‌خوانیم برای مبارزه در راه تحقیافتن:

۱. آزادی سازمان‌ها و گروه‌ها و احزاب سیاسی و تشکلهای صنفی و شوراهای کارگری و اتحادیه‌های روستایی.
 ۲. خودمختاری خلق‌ها در پناه دموکراسی برای ایران.
 ۳. برخورداری از حق اشتغال، مسکن، بهداشت و تحصیل مجانی برای همگان به‌ویژه برای زحمتکشان و خانواده‌ی آنان.
 ۴. آزادی بدون قید و شرط زنان در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و مدنی و برابری کامل آنان با مردان.
 ۵. آزادی ضمانت‌شده‌ی مطبوعات و از آن‌جا: آزادی بیان و قلم.
 ۶. امحای کامل مصداق شرم‌آور و خودکامانه‌ی مفهوم «زندانی سیاسی».
 ۷. بازگشایی فوری دانشگاه‌ها و اداره‌ی آن‌ها از طریق شورای انتخابی استادان، دانشجویان و کارکنان دانشگاه‌ها و آزادی فعالیت‌های سیاسی در مدارس.
 ۸. انحلال کلیه سازمان‌ها و نهادهای وسیع رسمی و غیر رسمی سرکوبگر و از جمله «دادگاه‌های انقلاب» که عملاً سرکوب مبارزان سیاسی را در دستور کار خود قرار داده است.
 ۹. ایجاد شوراهای سربازان، درجه‌داران و افسران جزء در ارتش به‌قصد امحای شیوه‌های فاشیستی اطاعت کورکورانه و ایجاد ارتش خلقی به‌جای ارتش شاهنشاهی — اسلامی کنونی.
- هرچند از پیش آشکار است که رژیم حاکم کنونی به‌دلیل ضعف تاریخی وابستگی ایران به بازار جهانی سرمایه، همچنین ضعف بینش و منطق گریزپایی از مواجهه با خواست‌های دموکراتیک، و

وحشت از مبارزه‌ی طبقاتی به هیچ‌روی قادر به تامین خواسته‌هایی از این دست نیست، و جز این راهی نخواهد داشت که آزادی‌های اجتماعی را زیر عناوین «التقاضی» و «غربی یا شرقی» و «غیر اسلامی» و «غیرمکتبی» و «ضد انقلاب» و جز این‌ها، در دایره‌ی تنگ برداشته‌های بلاهت‌آمیز خود از مسایل محدود کند تا بتواند سریع‌تر به حساب آن‌ها برسد، با این‌حال ما که تداوم انقلاب را جدا از مبارزه برای استقرار آزادی‌های دموکراتیک نمی‌دانیم، از تمامی تشکلهای صنفی — سیاسی مترقی و سازمان‌های انقلابی و افراد آگاه دعوت می‌کنیم که از طریق بردن این شعارها به میان توده‌ها و هر چه بیشتر آشنا کردن توده‌ها با مفاهیم گسترده‌ی این شعارها، در راه تحقق‌بخشیدن به آزادی‌های دموکراتیک به مبارزه‌ای پیگیر و بنیادی اقدام کنند.

امروز، بیست و دو ماه پس از برچیده‌شدن دستگاه‌های دیکتاتوری سلطنتی، ما هنوز در شرایطی به‌سر می‌بریم که:

- زندان‌ها از بسیاری زندانیان غالباً شکنجه‌دیده‌ی سیاسی به لانه‌ی مورچه می‌ماند.
- اختناق و سانسور به‌حدی است که پنداری نویسندگان و روشنفکران هنوز در سیاه‌ترین سال‌های حکومت مطلقه‌ی شاه به‌سر می‌برند.
- دسته‌های فاشیستی شب و روز در خیابان‌ها به شکار انقلابیون مشغولند.
- اوباش خیابانی با چماق و چاقو به اجتماعات خیابانی حمله می‌برند.
- هیچ روزنامه و نشریه‌ای حق انتشار ندارد مگر اینکه پیشاپیش آخوندی «مکتبی و متعهد!» و یا یکی از همپالگی‌های آن‌ها در راس آن قرار گرفته باشد.
- هم اکنون «لایحه‌ی قانونی» احزاب و گروه‌های سیاسی در «مجلس شورای اسلامی» در حال «بررسی» است.
- در کردستان عوامل رژیم به کشت‌و‌کشتاری باورناکردنی مشغولند.

- در جنوب و غرب کشور، پاسداران فراری که به‌یمن مقاومت مردم محلی به پشت سنگرها باز گشته‌اند میهن‌پرستان وابسته به گروه‌های مترقی را شناسایی، خلع‌سلاح و بازداشت می‌کنند. حتی در مواردی این افراد به جوخه‌های اعدام سپرده شده‌اند.
- مدارسی که به اسارت در چنگال «انجمن‌های اسلامی» تن در نداده‌اند یکی پس از دیگری تعطیل می‌شوند.
- افق بازگشایی دانشگاه همچنان تاریک است.
- بسیاری از مبارزان انقلابی در دادگاه‌های به اصطلاح «مبارزه با موادمخدر» به نام قاچاقچی اعدام شده‌اند.
- کارگران مبارز به اتهام «اخلال در تولید» از کارخانه‌ها اخراج شده به زندان‌های قرون‌وسطایی برده می‌شوند.
- شوراها و سربازی به بهانه‌ی «شرایط فوق‌العاده‌ی زمان جنگ»، بیش‌ازپیش، یکی پس از دیگری منحل می‌شوند و چکمه‌لیسان شاه و رژیمش (تیمسارانی نظیر فلاحی، باقری و ...) به‌برقراری مجدد ضوابط فاشیستی اطاعت کورکورانه کوشا هستند.
- زنان با توطئه‌هایی که نامش را وقیحانه «حرمت و آزادی اسلامی زن» نهادند به‌زیر حجاب توهین‌آمیز رانده شدند و اکنون زمینه‌چینی‌های مجددی در کار است تا آنان را یکسره از کار در ادارات و کارخانه‌ها و کارگاه‌ها بیرون بریزند و به کنج خانه‌ها بنشانند.

• هموطنان!

• کارگران، دهقانان، سربازان و زحمتکشان آگاه!

• زنان و مردان انقلابی کوشا و خستگی ناپذیر!

• خلق‌های درگیر ستم مضاعف طبقاتی و ملی!

• روشنفکران گرفتار در چنگال اختناق و عوام‌فریبی!

• استادان و دانشجویان مبارز در سراسر کشور!

• کارمندان مبارز اسیر هیات‌های پاکسازی اسلامی و تفتیش عقاید قرون وسطایی!

• مبارزان آگاه‌دل، از هر سازمان و هر گروه و هر حزب و جمعیت انقلابی!

ایجاد فضای مطمئنی برای زندگی، برای اندیشه‌های خلاق و برای تبادل افکار و امنیت فردی و اجتماعی تنها از طریق مبارزه‌ای پیگیر در جهت امحای شرایط وهن‌آمیزی که هم‌اکنون به توده‌های سراسر کشور ما تحمیل شده میسر است، و امحای این شرایط ممکن نیست مگر این‌که:

۱. از هیچ کوشش مشخص یا گروهی برای سازمان‌دادن به حرکات و اعتراضات توده‌ای علیه خودکامگی‌هایی که پیروزی شوم و نحس خود را در استمرار ستم طبقاتی، در نفی آزادی‌های فردی و اجتماعی، در تحمیل حجاب زنان به‌عنوان مقدمه‌ای برای طرد نیمی از جمعیت خلاق کشور از عرصه‌ی پیکار و تولید اجتماعی، در نفی تخصص‌های فنی، علمی، در نفی حقانیت گروه‌های با طومارهایی طولانی از نام شهدایشان، در نفی قومیت‌ها، در نفی هر تفکر و اندیشه‌ای جز آنچه در برداشته‌های بیمارگونه‌ی خود آنان می‌گذرد، در نفی تاریخ و هنر، در نفی صنعت و تمدن امروز می‌داند، فروگذار نکنیم.

۲. افراد و عناصر آگاه و مترقی و انقلابی در کارخانه، در روستا، در مدرسه، در اداره، در ارتش، در کوچه و خیابان و در همه جا، ضمن افشای ماهیت طبقاتی و شعارهای دروغین جناح به تازگی «آزادی‌خواه» حاکمیت و جلوگیری از ایجاد توهم تازه‌ای در توده‌ها، باید فعالانه علیه حاکمیت طرفداران ولایت فقیه، که به وقیحانه‌ترین نحوی حاکمیت مردم بر سرنوشت خود را نفی می‌کنند، به مبارزه برخیزند. مبرم‌ترین وظیفه‌ی عناصر انقلابی و مترقی در رابطه با شعارهای ارائه‌شده در فوق، در مرحله‌ی کنونی، افشا و سازمان‌دهی مبارزه علیه حکومت توضیح‌المسائل‌نویس‌ها و روضه‌خوانان و شرکای آنهاست که سرسخت‌ترین طرفداران جهل و ناآگاهی و سرکوب، ستم طبقاتی، و کینه‌توزترین دشمنان زحمتکشان و نیروهای

مترقی و انقلابی هستند.

۳. گروه‌ها و سازمان‌های انقلابی و مترقی و تشکلهای دموکراتیک، به‌دور از هر گونه خرده‌کاری و توهم‌فزایی، گروه‌گرایی و خودمحوربینی و رهبری‌طلبی، در جهت تحقق اهداف دموکراتیک اشاره‌شده، به‌نحو فعال و یکپارچه و هماهنگ به مبارزه برخیزند و از هم‌امروز اعتراضات خودبه‌خودی و خواست‌های دموکراتیک توده‌ها را سازمان داده آن‌ها را در خدمت مبارزه‌ی طبقاتی و منافع اساسی زحمتکشان جهت دهند.

سازمان وحدت کمونیستی

۱۳۵۹/۹/۲۳

منبع: رهائی، دوره‌ی دوم، شماره‌ی ۵۷، ۲۷ آذر ۱۳۵۹؛

<https://vahdatcommunisti.files.wordpress.com/2021/07/57.pdf>